



گروه دانش دریا – مهدی بیرانوند روژمان – مبارزه با

عطر دریای جنوب با رنگ وطن خواهی در برابر متجاوزین انگلیسی و با طعم از خود گذشتگی برای آزادگی و رهایی خط و مُش دلیران تنگستان به رهبری «رئیسعلی دلواری» است. رئیسعلی که با تفکر و مرام وطن خواهی و آزادگی با دستان خالی و با مدیریت استراتژیک برابر نیروهای انگلیسی و جاسوسان داخلی ایستادگی کرد و در این راه جاودان شد.

متجاوزان انگلیسی با چهار کشتی دالهورزی، پیراموس، لاورنس و جونز و گردان پیاده نظام ۹۶ به بندر دلوار حمله کردند. اما پس از نبردی سه روزه با ۳۳۰ کشته از دلاوران تنگستانی شکست خوردند.

در سال ۱۲۶۰ شمسی مصادف با ۱۲۹۹ قمری در روستای دلوار در استان بوشهر نوزادی متولد شد که در خوش بینانه‌ترین حالت به لحاظ محرومیت شدید زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و همچنین اقتصادی می‌توانست مانند سایر نو متولدین صحرای تفتیده و شرعی گرفته جنوب در اوج محرومیت و مظلومیت کودکانه زندگی را شروع و خاتمه دهند اما قهرمان داستان ما ضمن اینکه تسلیم وضع موجود نشد سایر همسالان خود را نیز به بالاترین قله افتخار هدایت کرد و جاودانه شدند.

ایران عزیز ما در آن روز اسیر زمامدارانی بود که برای نگه داشتن تاج و تخت خود یا به جان هم می افتادند و یا با بهره‌گیری از توان دول خارجی چند صاخی عمر حکومت خود را استمرار می‌بخشیدند.

از سویی بی تفاوتی به سر نوشت مردم کشور و بخصوص نقاط دورافتاده از مرکز حکومت به موضوعی عادی تبدیل شده بود و می‌توان گفت که کلاً یادشان رفته بود که در گوشه و کنار کشور کودکی متولد می‌شود و یا پیر مردی سر به خاک قبر می‌نهد.

با این مقدمه کو تاه حداقل نتیجه این خواهد بود که رشد و نمو افراد در این فضای معیوب به معجزه می‌ماند و گر نه در محاسبات معمول اجتماعی مطلقاً امید از تقا متصور نیست.

جنوب ایران اعم از مناطق تنگستان، دشتستان، دشتی و سایر مناطق آن توسط خان و کدخدا و رئیس و عده‌ای خدم و حشم و تفتنجی اداره می‌شد. هر از چند گاهی هم چنانچه حکومت مرکزی به نمایندگان خود اشتعلی می‌کرد آنها این مردم محروم را زیر فشار قرار می‌دادند هر چند به قواره این مناطق هم توان نداشتند.

آغاز مبارزات

در سال ۱۲۸۷ انقلاب مشروطه رخ داد هر چند نطفه آن از سال ۱۲۸۴ بسته شده بود. بوشهری‌ها نیز به این جنبش پیوستند و اولین نفری که در این راه با ایشان همقدم شد شهید رئیس علی دلواری بود. در این هنگامه که جناب علم‌الهدی اهرمی پیشاهنگ آن بود، با رشادت‌های این بلند همت جنوبی در عین سلامتی و امانتداری، شهر بوشهر از ید قوای محمد علی شاهی خارج و نیروهای انگلیسی را بیرون راندند و شهر را تحویل آیت‌الله علم‌الهدی کردند و به عبارتی نظام اسلامی را در استان ولایی بوشهر برقرار کردند.

هر چند به دلیل فشارهای انگلیس و فریب کاری‌های احمدخان دریابگی و راه‌اندازی قانله اوباشگری در شهر بوشهر این حرکت ناکام ماند و طلا به دار آن به بصره عراق تبعید شد لیکن مبارزه‌ای که شهید رئیس علی دلواری آغاز کرده بود قوت گرفت و خواب متجاوزین را آشفته کرد.
قریب هفت سال تقابل انگلیسی‌ها با رئیس علی ادامه داشت و در حملات پارتیزانی امان از خصم گرفته بود و اوج آن تجاوز خصمانه انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول به بوشهر و کانون مقاومت دلوار بود. نام و یاد رئیسعلی دلواری برای همیشه در تاریخ ماندگار شده است، شاید بتوان گفت راز ماندگاری نام رئیس علی و یا تاریخ‌سازی وی در این دوران رقم خورد.

مردم‌داری؛ این خصلت ویژه را که رئیسعلی دلواری از خانواده گرفته بود موجب شد تا همه مردم جامعه پیرامون با وی همدل شوند، اهداف وی را هدف خود بپندارند. رئیس علی با فقیر و غنی می‌نشست. در درد و رنج مردم همراه بود.

رئیسعلی خود را تافته جدا بافته نمی‌دید. خود را کدخدا و رئیس و فرمانده نمی‌خواند. زنان و مردان جنوبی از رئیس علی در لالایی بچه‌های خود می‌خواندند آرام‌بخش گهواره‌هایی بود که از ترس دشمن انگلیسی در اضطراب بودند با خانواده‌های دلواری شام و ناهار را شریک بود.

منزل محل اطراق همه اهالی بود. این افتادگی موجب شد تا نامش ورد زبان‌ها باشد. پیر مردی بنام ابراهیم پورجمال می‌گفت که آدم یک بچه داشته باشد ولی علی زایر محمد باشد. دشمن متجاوز قشون پیاده و سواره و خشکی و دریا را به جنگ رئیس علی فرستاد. او می‌پنداشت رئیس علی و یارانش فقط در اندک حملات شبانه توفیق دارند و یارای مقابله بزرگ را ندارند غافل از آنکه خدا نمی‌گذارد که یارانش مغلوب قوای کفر شوند. اندیشه آزادی خواهی ماندگار موجب شد تا در یک حماسه بیادماندنی در گرمی ۲۲ مرداد ماه سال ۱۲۹۴ شمسی چهار ناو جنگی انگلیس و پنج هزار نفر قشون جنگی در مقابل عده قلیل تفتنجی خوش اراده جنوبی تحت فرماندهی مردی قوی الاراده بنام رئیس علی دلواری زانو بزنند و مهم‌ترین شکست انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول در روستای دلوار رقم بخورد و نام رئیس علی و یارانش در اقصی نقاط دنیا ورد زبان‌ها شود و روزنامه‌های محلی بنویسد «که زنده رستم علی شاه رئیس علی دلواری که ایران را زنده کرده تا چهارمین علت ماندگاری نام رئیس علی به این عنوان ثبت کنیم که تنها کسی که توانست با بسیج

نیروهای مردمی پشت ابرقدرتی همچون بریتانیای کبیر را به زمین برسانند رئیس علی دلواری بود تا همه زنان و مردان این دیار به نامش افتخار کنند و به آن ببالند.

در زمستان سال ۱۲۹۳، رئیسعلی از طریق نامه نگاری و مذاکره با تجار، مشروطه‌خواهان، علما و روزنامه‌نگاران سعی در آگاه کردن آن‌ها در خصوص حوادث عثمانی و قریب الوقوع بودن اتفاق برای بوشهر داشته است. این مذاکرات نتایج چشم‌گیری در بر نداشته تا اینکه انگلیسی‌ها یکی از کدخداهای محلی به اسم “حاج علی تنگکی” را دستگیر و تبعید می‌کنند. با وقوع این اتفاق در اردیبهشت ماه ۱۲۹۴ خورشیدی، سربازان هندی خانه این کدخدا را غارت کرده و لباس‌های همسر وی را برای فروش به بازار می‌آورند. این اتفاق موجب وقوع خشم و نفرت عمومی از انگلیس و شروع تحرکات نظامی و غیرنظامی می‌شود. در این بازه زمانی رئیسعلی دلواری حملات پارتیزانی خود را به مواضع انگلیس، روسیه و فرانسه در بوشهر آغاز می‌کند.

اولین ضربات رزمی به نیروهای انگلیسی

اقدامات رئیسعلی موجب راه‌گشایی برای سایر خوانین محلی مثل زائر خضر خان اهرمی و شیخ حسین چاهکوک تاهی و شروع حملات پارتیزانی آن‌ها به مناطق تحت کنترل نیروهای انگلیسی و هم‌پیمانان آن‌ها می‌شود. البته پیش از وقوع این حملات، نیروای مجاهدین سعی در تدارک حمله‌ای همه جانبه و یکپارچه به قوای انگلیسی داشته‌اند که درست ساعاتی پیش از حمله، با شلیک شدن غیر عمدی یک تیر و کشته شدن یکی از تفتنجی‌ها، این حمله متغنی می‌شود. اما رئیسعلی و نیروهای تحت امرش که از مسیر دیگری در حال ملحق شدن به اردو بودند، بدون توجه به این موضوع به کار خود ادامه داده و در نبردی با نیروهای انگلیسی موفق به کشتن دو افسر و چند سرباز انگلیسی می‌شوند.

نقشه‌های استراتژیک برابر نیروهای انگلیس

این اتفاق، اولین ضربه بزرگ به انگلیس محسوب می‌شود و با انعکاس آن در نشریات کشور، نقش رئیسعلی دلواری از این نقطه بسیار پررنگ تر از قبل مطرح می‌شود. در این هنگام حملات پارتیزانی رئیسعلی و دیگر مجاهدین به مواضع انگلیس ادامه داشته و از سوی دیگر نیروهای انگلیسی، بندر بوشهر را به تصرف خود در می‌آورند و در اولین اقدام، برنامه از سر راه برداشتن رئیسعلی دلواری را طرح ریزی می‌کنند.

اگر چه رئیسعلی از نظر موقعیت سیاسی کدخدا محسوب می‌شده و از خان یا ضابط کل تنگستان در رتبه‌ای پایین تر قرار داشته است (مثل

مرور روزنامه دریایی سرآمد برغلبه

ریسعلی دلواری

برمتجاوزان انگلیسی؛

اقتدار دلوارها در سواحل و نخلستان‌های بوشهر

ناوها منتقل نمی‌شود و بمب‌ها در محل نخلستان و محل اردوی سربازان انگلیسی فرود می‌آید. در روز اول این نبرد قوای انگلیسی به شدت آسیب می‌بیند و در نقطه مقابل نیروهای دلواری بدون هیچ گونه تلفاتی به تعقیب و پاکسازی دشمنان می‌پردازند. نقل شفاهی معروفی است که رئیسعلی دستور می‌دهد که تفتنجی‌ها، به سربازان هندی شلیک نکنند و فقط انگلیسی‌ها را هدف بگیرند. خود رئیسعلی هم ناخدا بلومفیلد را به هلاکت می‌رساند و میجر ویتل را نیز به شدت زخمی می‌کند. در روز دوم نبرد، خالو حسین بردخونی دشتنی و ۱۵۰ تفتنجی به محل رسیده و به کمک رئیسعلی و یارانش می‌شایند. در دو روز متوالی زد و خورده‌ایی میان نیروهای انگلیسی و نیروهای مدافع ایران شکل می‌گیرد و ارتش انگلیس بدون هیچ دستاوردی و تنها بسا تخریب چند خانه روستایی و نخلستان منطقه را ترک می‌کند. شهادی ایرانی این نبرد در یک منبع (فراشبدی) ۳نفر و در منبعی دیگر (آدمیت) ۷نفر ذکر شده اما تلفات نیروهای انگلیس در منابع انگلیسی ۱۶۰ نفر و در منابع ایرانی تا ۵۰۰ نفر گفته شده است. کل نیروهای انگلیسی در این نبرد ۴ هزار نفر و نیروهای دلواری ۵۰۰-۷۰۰نفر به همراه ۱۵۰ نفر مجاهد دشتی بوده است. اگر چه “مستر چیک” کنسول انگلیس در بوشهر و هواداران انگلستان در ایران سعی در عادی جلوه دادن شرایط و معرفی خود به عنوان پیروز این میدان داشتند، اما واقعیت این نبرد ریخته شدن ترس مردم منطقه از انگلیس و شکسته شدن هیمنه بزرگ‌ترین ارتش آن دوران بود.

توررسم همیشگی متجاوزین

مبارزات پارتیزانی رئیسعلی دلواری با ارتش بریتانیا به صورت بی‌وقفه ادامه داشته و موجب خستگی و فرسودگی هر چه بیشتر نیروهای نظامی و سیاسی انگلستان شده بود. این فشار حتی در جبهه‌های عثمانی نیز به چشم می‌آمد و تقسیم قوادر ایران و عثمانی به کابوس سیاستمداران بریتانیا تبدیل شده بود. وقتی همه ی حربه‌های روباه پیر برای تطمیع و تهدید رئیسعلی دلواری شکست خورد، برنامه ترور این مبارز در دستورکار کنسولگری انگلستان در بوشهر قرار گرفت. نام ضارب شهید رئیسعلی دلواری به طور واضح در تاریخ ذکر شده است اما در خصوص آمر به قتل، نقل قول‌های مختلفی وجود داشته است. یکی از نقل‌ها که به شدت توسط انگلیسی‌ها شانتاژ شده، امر به قتل رئیسعلی توسط زایر خضر خان اهرمی به منظور جلوگیری از شهرت بیشتر رئیسعلی است. البته هیچ منبع مکتوب داخلی آن را تأکید و تصریح نکرده و تنها در برخی مقالات و بنا به نقل عمومی ذکر شده است. نگاه دوم، تحلیل شرایط است که بنا بر آن، انگلیسی‌ها به دلیل ناکامای در شکست دادن رئیسعلی در نبرد رو در رو، به سراغ ترور وی رفتند. دیدگاه سوم، تصادف غیرعمدی و شلیک تصادفی به رئیسعلی است. اما در سال ۱۳۸۹ گزارشات “مستر چیک” که نایب کنسول انگلیس در بوشهر بوده، از طریق یکی از اساتید ایرانی دانشگاه منچستر به دست “افشین پرتو، پژوهشگر و تاریخ‌نگار گیلانی می‌رسد که این گزارشات در سال ۱۳۹۲ ترجمه و منتشر می‌شود. در این گزارشات مستر چیک به صراحت اعتراف می‌کند که راهی برای از میان برداشتن رئیسعلی یافته است. او نقل کرده که: «میرز رحمت لیلکی، غلامحسین (قاتل رئیسعلی) را آورد و پول را گرفت و رضایت داد. گلوله‌ای شلیک شد و مردی به خاک



افتاد ۱۱ و او جنگیدیم، اما تاریخ در خصوص کسی که خیانت کرد قضاوت می‌کند.» با توجه به این که این گزارشات، تلگراف‌های رسمی چیک به انگلستان است و پیش از واقعه و پس از واقعه را ذکر می‌کند و جزئیات ارائه شده از روزهای قبل از واقعه و ذکر دقیق نام قاتل و نحوه ی تحریک دقیق با اتفاقات رقم خورده مطابقت دارد، پس صحت امر بودن مستر چیک در قتل رئیسعلی دلواری حتمی است. سرانجام رئیس علی دلواری که با یاران خود با تدارک حمله‌ای سنگین قصد شبیخون به بوشهر و تهاجم علیه انگلیسی‌ها را داشت در منطقه تنگک صفر در حومه بوشهر با خدعه و نیزنگ انگلیسی‌ها از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و در سال ۱۲۹۴ در ۳۴سالگی به شهادت رسید.

با شهادت رئیسعلی، ضربه‌ی روحی بزرگی به مردم ایران وارد می‌شود. تنگستان، بوشهر و شیراز غرق در ماتم و مراسم عزاداری است. در دیگر شهرهای ایران نیز چنین شرایطی برپاست و گزارشات رسمی ثبت شده از تشکیل دسته‌های بزرگ عزاداری در شهراراک خبر می‌دهند. حتی در شهر بصره نیز مراسماتی برای رئیسعلی برگزار شده است.

“سرگرد نیلستروم” افسر سوئدی ژاندارمری فارس در خاطرات خود نوشته است که در تنگستان کودکانی را دیدم که در هنگام بازی می‌گویند من رئیسعلی هستم و این نشان می‌داد که رئیسعلی تا ابد دل ایرانیان زنده است.